



مسئولیت اجتماعی شرکت‌های فراملی در چهارچوب حقوق بشر از اختیار تا الزام

الناز نساری*

دانش‌آموخته حقوق بین‌الملل عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

تاریخ ارسال: ۱۴۰۱/۰۶/۲۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۱۷

چکیده

طی سال‌ها افزایش سرمایه‌گذاری در کشورهای کمتر توسعه‌یافته، باعث اقدامات خلاف موازین حقوق بشری توسط شرکت‌های فراملی شده است. پیرو توسعه ارتباطات و رشد فعالیت‌های حقوق بشری، حفظ حقوق ذی‌نفعان شرکت مورد تأکید قرار گرفت. تئوری «مسئولیت اجتماعی شرکت» به لزوم شفاف‌سازی اقدامات شرکت‌های فراملی در حوزه حقوق بشر تأکید دارد. در پژوهش حاضر نقش این تئوری در رعایت موازین حقوق بشری توسط شرکت‌های فراملی بررسی می‌شود. به‌طور کلی، اسناد حقوق بین‌الملل و نیز کدهای شرکتی و قوانین ملی همگی بیانگر اصولی از مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها مشتمل بر تعهدات حقوق بشری هستند. شرکت‌های فراملی در حوزه مسئولیت اجتماعی به داوطلبانه بودن تعهدات اصرار دارند. با این حال، بانک جهانی بر وظیفه فعال مسئولیت اجتماعی تأکید و شرکت‌های فراملی را به اتخاذ اقدامات ضروری جهت نیل به اهداف اجتماعی ملزم می‌داند. بانک جهانی و اعضای آن از جمله میگا، اعمال و اجرای مسئولیت اجتماعی را از طریق سیاست‌های کاربردی، مکانیسم‌های وام‌دهی و بیمه رصد می‌کنند.

واژگان کلیدی: حقوق بشر، ذی‌نفع، شرکت فراملی، گزارش‌دهی، مسئولیت اجتماعی شرکت

E-mail: nesarielnaz@gmail.com

* نویسنده مسئول مقاله:





۱. مقدمه

جهانی شدن منجر به افزایش قدرت اقتصادی بنگاه های خصوصی-علی الخصوص شرکت های فراملی- شده است. طی سال ها تأکید این نهادها صرفاً بر کسب حداکثر بهره وری اقتصادی بوده است. از سوی دیگر، حقوق بین الملل سنتی تعهدات حقوق بشری، کاری و زیست محیطی را بر دولت ها تحمیل می کند، بر همین مبنا بسیاری از بنگاه های فراملی، با ادعای آنکه بازیگران غیردولتی به دلیل فقدان برخورداری از شخصیت حقوقی موضوع تعهدات بین المللی واقع نمی شوند، هر تخطی که در دولت میزبان واقع شده باشد را به همان دولت منتسب دانسته و به نوعی زیر حجاب دولت ها پنهان شده اند.

با تلاش جمعی سازمان های بین المللی غیردولتی حقوق بشری و محیط زیستی، امروزه حذف این مصونیت و حاشیه امن برای بنگاه ها امری ضروری است و رویکرد بنگاه های تجاری با پیدایش مفهوم مسئولیت شرکت ها دچار تحول شده است. مسئولیت اجتماعی شرکت یا «شهروندی شرکت»^۱ تا مدت ها در چهارچوب ادبیات مدیریتی کاربرد داشته، ولیکن طی سال های اخیر مورد تأکید حقوقی نیز قرار گرفته است. مسئولیت اجتماعی قائل بر این مهم است که شرکت ها نه تنها در مقابل «سهامداران»^۲ مسئول هستند، بلکه می بایست در مقابل افراد یا جوامعی که به طور مستقیم یا غیرمستقیم از اقدامات آن ها متأثر می شوند نیز تعهداتی داشته باشند، این افراد یا جوامع «ذی نفعان»^۳ شرکت را تشکیل می دهند.

رویکرد ذی نفعان بر مفهوم «پایداری» مبتنی است و مقرر می دارد فعالیت های تجاری می بایست نسبت به تمام ذی نفعان سودمند بوده و ملاحظات حقوق بشری و توسعه اجتماعی را دربرگیرد.^۴

تعامل مسئولیت اجتماعی با حقوق، چالش های متعددی در پی دارد، از جمله موضوع الزام آوری مسئولیت اجتماعی. معاهدات حقوق بشری و زیست محیطی اغلب برای شرکت ها الزام آور نبوده، به علاوه عدم توسعه در کشورهای کمتر توسعه یافته مانع از تحقق بستر لازم برای داخلی شدن مقررات این اسناد است. در نتیجه فشار افکار عمومی و افزایش

¹Corporate Citizenship

²Shareholders

³Stakeholder

⁴ سازمان ملل متحد در توسعه مسئولیت اجتماعی شرکت ها از طریق کمیسیون توسعه پایدار کوشیده است.



سطح آگاهی، بنگاه‌های فراملی ملزم به «خودقانون‌سازی»^۱ در حوزه حقوق بشر شده‌اند. به عبارت دیگر، درحالی‌که در نگاه اجمالی مبنای مسئولیت اجتماعی اختیار شرکت‌ها است، با این حال مسئولیت اجتماعی فضای هنجاری جدیدی ایجاد کرده که طی آن امتزاج حقوق سخت و حقوق نرم، منجر به شکل‌گیری شبکه هنجاری جدید حقوقی شده است. در پژوهش حاضر به این مهم می‌پردازیم که آیا تئوری مسئولیت اجتماعی شرکت، تأثیری در رعایت موازین حقوق بشری توسط بنگاه‌های فراملی داشته است یا خیر؛ و در صورت تأیید، مبنای حقوقی این امر الزام است یا اختیار. در این راستا، پس از بیان مختصری از وضعیت حقوقی شرکت‌های فراملی، با تأکید بر هسته حقوق بشری به بررسی مسئولیت-اجتماعی شرکت‌ها می‌پردازیم.

۲. وضعیت حقوقی شرکت‌های فراملی

شرکت فراملی به آن دسته از مؤسسات تجاری گفته می‌شود که مقرشان در یک کشور است اما در کشورهای دیگر عملیات می‌کنند و به همین دلیل تابع قوانین کشورهای دیگری به غیر از کشور میزبان هستند. فعالیت‌های گسترده شرکت‌های فراملی در جهان امروز، سرمایه، فرصت‌های شغلی و تکنولوژی رابه همراه می‌آورد (محمودی و صدیقیان کاشانی، ۱۳۹۷: ۸۳۰). گردش مالی سالانه برخی «بنگاه‌های فراملی»^۲ از «تولید ناخالص داخلی»^۳ بسیاری از کشورهای کمتر توسعه‌یافته بیشتر است.

نقش شرکت‌های فراملی در آسیب به حقوق بشر و حقوق محیط‌زیست گاه بیش از دولت‌هاست. به همین دلیل امروزه با عبور از مفهوم «احترام به حقوق بشر» به «تضمین حقوق بشر» از سوی شرکت‌های فراملی توجه شده است (ضیایی و لطفی، ۱۴۰۰: ص. ۲۵۸). با توجه به نقش فزاینده این بنگاه‌ها به عنوان بازیگران مطرح اقتصادی و سیاسی و نیز تأثیر آن‌ها بر محیط‌زیست و حقوق بشر، در ابتدای پژوهش به این موضوع می‌پردازیم که تبعیت شرکت‌های فراملی از موازین حقوق بین‌الملل تا چه حد است و آیا شرکت‌های فراملی موضوع رژیم‌های حقوقی بین‌المللی هستند یا خیر؟

^۱Self-Regulate

^۲Transnational Enterprises

^۳Gross Domestic Product (GDP)



یکی از قضایای دیوان بین‌المللی دادگستری مرتبط با شرکت‌های فراملی پرونده بارسلونا تراکشن می‌باشد. این قضیه ابتدا از سوی دولت بلژیک در حواله دولت اسپانیا به جبران خسارت وارده به سهامداران تبعه بلژیک بارسلونا تراکشن و غرامت مطرح گردید؛ لیکن مباحث دیگری از جمله تعهدات Erga Omnes، استرداد دعوا، حقوق اساسی، حقوق بشر، تفکیک شخصیت‌های حقیقی و حقوقی، مبنای قرار گرفتن حقوق پذیرفته شده در نظام داخلی و تسری آن به رسیدگی دیوان، نیز مطرح شد. دیوان در این قضیه با رد صلاحیت بلژیک در اقامه دعوا، عنوان داشت که دولت صلاحیت‌دار برای اقامه دعوا دولتی است که شرکت بارسلونا تراکشن در آن به ثبت رسیده و مرکز فعالیت شرکت در آن قرار دارد. با توجه به این امر دیوان صلاحیت دولت‌ها را در حمایت دیپلماتیک از اشخاص حقوقی مورد تأیید و حمایت دیپلماتیک از سهامداران را رد کرد. لیکن رویه دیوان در پرونده دیالو (گینه علیه کنگو) تغییر کرد و حمایت از سهامداران شرکت‌ها مطرح شد. (زبردست و قنبری جهرمی، ۱۴۰۰: ص ۱۲۱-۱۲۲).

در نظر مشورتی غرامت، دیوان بین‌المللی دادگستری دو معیار توانایی برعهده گرفتن حقوق و تعهدات وفق حقوق بین‌الملل و توانایی طرح دعاوی بین‌المللی را در بررسی «تابع فعال» حقوق بین‌الملل حائز اهمیت عنوان کرد. همچنین در این قضیه بین «تابع فعال» حقوق بین‌الملل و شخصیت حقوقی بین‌المللی ارتباط برقرار شد. شخصیت حقوقی با این مفهوم ارتباط دارد که تا چه حد یک موجودیت توسط سیستم حقوقی به عنوان دارنده حقوق و تکالیف شناخته می‌شود. دکتترین سنتی حقوق بین‌الملل دو معیار دیگر یعنی توانایی انعقاد معاهدات بین‌المللی و توانایی دارا شدن مزایا و مصونیت از صلاحیت‌های داخلی^۱ را نیز مدنظر دارد. (Junior and Calazans, 2018:p.159)

۱-۲. توانایی طرح دعاوی

در بررسی صلاحیت شرکت‌های فراملی برای طرح دعاوی بین‌المللی، به رویه محاکم مرتبط یعنی دیوان‌های سرمایه‌گذاری خارجی و دادگاه اروپایی حقوق بشر می‌پردازیم.

^۱ عامل اخیر به دلیل ماهیت و طبیعت شرکت‌ها، بر این نهادها قابلیت اعمال ندارد و در این پژوهش نیز مورد بررسی قرار نمی‌گیرد.



ماده ۳۴ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر اشاره دارد که افراد، گروهی از افراد و سازمان‌های غیردولتی می‌توانند در دیوان اروپایی حقوق بشر طرح دعوی کنند. دیوان اروپایی حقوق بشر در قضیه ساندی تایمز به موضوع شماردن شرکت‌ها در قالب سازمان‌های غیردولتی پرداخته است. لذا شرکت‌های فراملی به‌عنوان بازیگران غیردولتی می‌توانند در دیوان اروپایی حقوق بشر دعوا اقامه نمایند.^۱

صلاحیت شرکت‌ها در طرح شکایت در سیستم سرمایه‌گذاری بین‌المللی و مشخصاً ایکس‌اید^۲ مورد تأیید قرار گرفته است. فصل یازدهم از مقررات نفتا مقرر می‌دارد که در اختلافات مرتبط با سرمایه‌گذاری و در حوزه اقتصادی، سرمایه‌گذار از جایگاهی مانند دولت‌ها برخوردار است (Gal-Or, 2005: p121). لذا شرکت‌های فراملی اولین شرط مرتبط با تابع فعال بودن در حقوق بین‌الملل یعنی توانایی طرح دعاوی در محاکم بین‌المللی را دارا هستند.

۲-۲. برخورداری مستقیم از حقوق و برعهده گرفتن تعهدات

در حالی که مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها به جلوگیری از نقض حقوق بشر توسط شرکت‌ها می‌پردازند، دیوان اروپایی حقوق بشر بر «حق بشری شرکت‌ها» تأکید دارد. به عبارت دیگر، شرکت‌ها از برخی حقوق بشر مرتبط با ماهیت عملکرد خود بهره‌مند هستند از جمله حق بر دادرسی منصفانه، حق بر حریم خصوصی، حق بر آزادی بیان و حقوق بر مالکیت. می‌توان چنین استدلال کرد که حقوق بین‌الملل امروزه باید شرکت‌های فراملی را نیز مانند افراد مورد حمایت حقوق بشری قرار دهد. همان‌طور که اشاره گردید، حق دادخواهی شرکت‌ها توسط

^۱ در قضیه (Sunday Times vs. United Kingdom, 1979:n.6538/74) دیوان اروپایی حقوق بشر تأکید کرد دستور جلوگیری از انتشار مقاله‌ای توسط ساندی تایمز حق آزادی بیان این روزنامه را نقض کرده است. (Abdelsalam, 1999:p204)
وفق پروتکل ۱۱ از کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، سازمان‌های غیردولتی می‌توانند به‌عنوان خواهان، نماینده خواهان یا مشاور دادگاه (amicus curiae) در دادرسی‌ها شرکت کرده و فعالیت داشته باشند. (کامل نوابوقاسمی، ۱۴۰۱: ص ۵۳۷)

^۲ International Center for Settlement of Investment Disputes (ICSID)



دیوان اروپایی حقوق بشرمورد تأیید قرارگرفته است.^۱ رویه دادگاه اروپایی حقوق بشر اذعان داشته که شرکت‌ها مانند اشخاص بشری بوده و از حقوق بشر مرتبط با عملکرد خود بهره‌مند هستند.^۲

مسئولیت شرکت‌ها در دادگاه ویژه لبنان^۳ مورد تأیید قرار گرفت و شعبه استیناف وفق اصل مؤثر بودن،^۴ صلاحیت دیوان نسبت به اشخاص حقوقی را تأیید کرد. صرف‌نظر از نتیجه، دو موضوع مهم از این دادرسی قابل استنباط است. اولاً؛ تصمیم شعبه استیناف در تأیید صلاحیت دادگاه ویژه لبنان نسبت به اشخاص حقوقی رویه‌ای مهم برای قضایای آینده محسوب می‌شود. ثانیاً؛ تأیید گردید که مسئولیت شرکت‌ها در دیوان‌های بین‌المللی تا چه حد حائز اهمیت است. (Kaeb, 2016:p368)

لذا شرکت‌های فراملی دومین شرط مرتبط با تابع فعال حقوق بین‌الملل بودن، یعنی توانایی برخورداری از حقوق و تعهدات بین‌المللی را در چهارچوب فعالیت خود دارا هستند.

۲-۳. توانایی انعقاد معاهدات و موافقت‌نامه‌های بین‌المللی

شرکت‌های فراملی توانایی انعقاد معاهدات بین‌المللی را ندارند، باین‌حال در فرایند ایجاد حقوق مشارکت می‌کنند. به‌عنوان مثال، در پنل‌های سازمان جهانی تجارت فعالانه مشارکت دارند و می‌توانند در ایجاد عرف بین‌المللی مؤثر باشند.^۵

^۱ برای مطالعه بیشتر مراجعه شود به:

(Société Colas Est and Others v. France, 2002:n.37971/97)

در این قضیه، دیوان اروپایی حقوق بشر صراحتاً بر حق بر منزل (right to home) برای شرکت‌ها تأکید کرد و اعلام نمود این حق شرکت، توسط فرانسه نقض شده است.

^۲ برای مثال در قضیه Centro Europa 7 S.r.l. And Di Stefano v. Italy (2012) of 6 July 2012, Application n. 38433/09 به موضوع اعمال ماده ۱۰ (آزادی بیان و اطلاعات) و حفاظت از اموال برای شرکت-

ها تأکید شده است. برای مطالعه بیشتر مراجعه شود به:

(Van Den and Rezai, 2012:p.60)

^۳Special Tribunal for Lebanon (STL) Case against Al-Jadeed S. A. L. & Al Khayay (The Al-Jadeed Case, 2014).

^۴The Principle of Effectiveness

^۵ علی‌رغم اشاره ماده ۲۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری در خصوص «رویه دولت‌ها» در ایجاد عرف بین‌المللی، با توجه به پویایی حقوق بین‌الملل این ماده قابل تفسیر و توسعه به شرکت‌ها است.



اگرچه شرکت‌های فراملی هر دو معیار معرفی شده در قضیه غرامت را دارند، همچنان به‌عنوان تابع فعال حقوق بین‌الملل شناسایی نمی‌شوند. در واقع شرکت‌های فراملی تابعان منفعل و دوفاکتو حقوق بین‌الملل هستند، برخی از محققان معتقدند این شرکت‌ها نهادهای شبه-دولتی^۱ هستند^۲ و شخصیت حقوقی بین‌المللی این شرکت‌ها محدود و مشتق است^۳ و از سوی دولت‌ها اعطا می‌شود.

با تأکید بر قدرت مالی غیرقابل تردید، تأثیرات و سایر توانایی‌ها می‌توان چنین استدلال کرد که شرکت‌های فراملی «مسئولیت ضمنی»^۴ دارند. این استنباط با دکترین «اختیارات ضمنی»^۵ که دیوان بین‌المللی دادگستری در نظر مشورتی «غرامت» مطرح نمود، تقویت می‌گردد. (ICJ Rep.1949,p174) در تأیید این استدلال باید توجه کرد که احصا محدوده اختیارات و قدرت نهاد به‌طور جامع در اساسنامه ممکن نیست، چراکه هر نهاد می‌بایست نسبت به توسعه و تحول جامعه بین‌المللی پاسخگو باشد که این امر نیز وجود سایر قدرت‌ها و اختیارات از جمله «اختیارات ضمنی» و «عرفی»^۶ را تقویت می‌کند. (Schermers and Blokker, 2011:p175)

با توجه به پویایی حقوق بین‌الملل، الزاماً تفکیک مشخصی بین «تابعان فعال»^۷ و «تابعان منفعل-موضوع‌های»^۸ حقوق بین‌الملل وجود ندارد. با توجه به موارد فوق و نیز عدم تمایل

^۱Quasi-State enteties

^۲ به نظر می‌رسد رویکرد بین‌المللی، از جمله شناسایی مسئولیت کیفری برای اشخاص خصوصی راه را برای تابع فعال شدن آن‌ها هموار می‌کند. بعلاوه نقش این نهادها در حقوق بین‌الملل اقتصادی و حقوق سرمایه‌گذاری خارجی و تأثیری که در سازمان جهانی تجارت و نهادهای حل اختلاف در عرصه سرمایه‌گذاری خارجی دارند در ایجاد نوعی شخصیت حقوقی بین‌المللی حائز اهمیت است. برای مطالعه بیشتر مراجعه شود به: (نساری، ۱۳۹۷)

^۳ صرف نظر از برخی جنبه‌های حقوقی جامعه اروپایی مرتبط با رقابت، معاهدات بین‌المللی برای بنگاه‌های فراملی شخصیت حقوقی بین‌المللی قائل نشده‌اند، البته نباید از قصد بنیان‌گذاران غافل شد، چرا که نهاد تأسیس شده حداقل برای اعضا دارای شخصیت حقوقی می‌باشد. به نظر می‌رسد نهادهایی که مبتنی بر معاهدات بین‌المللی می‌باشند با توجه به ماهیت ذاتی و اختیارات ضمنی، شخصیت حقوقی بین‌المللی دارند. (Czaplinski,2016:p10)

^۴ Implied Responsibilities

^۵ Implied Powers

^۶ Customary Powers

^۷ Subjects

^۸ Objects



خود شرکت‌ها نسبت به اینکه تابع فعال حقوق بین‌الملل قلمداد شوند (برای اجتناب از اعمال تعهدات و تبعات مرتبط)، در حوزه مسئولیت شرکت‌ها بجای تأکید بر «دوگانه تابع فعال و منفعل»^۱ به‌تراست به مشارکت این نهادها در جامعه بین‌المللی تمرکز شود. به‌عبارت‌دیگر، اگرچه تأثیر و تأثر شرکت‌های فراملی بر حقوق بین‌الملل قدر مسلم است و از برخی معیارهای شخصیت حقوقی بین‌المللی نیز برخوردارند، با این حال بهتر است به این واقعیت تمرکز شود که شرکت‌ها «اعضای» جامعه بین‌المللی هستند و به‌عنوان عضو، حقوق و تعهداتی دارند و باید مشخص شود چگونه مسئولیت بر این نهادها اعمال می‌شود. لذا این نهادها صرف‌نظر از آنکه تابع فعال حقوق بین‌الملل هستند یا خیر، از حقوق بشر مرتبط برخوردار بوده و به تبع تعهدات حقوق بشری نیز بر آن‌ها اعمال می‌شود.

۳- عناصر مسئولیت اجتماعی

تابه حال سه نسل از مسئولیت اجتماعی ایجاد شده است. اولین نسل به منافع کوتاه‌مدت، نسل دوم به استراتژی‌های بلندمدت و نسل سوم به ارتباط تجارت و اقتصاد در موضوع‌های واقع در محدوده عمومی مانند حقوق بشر، فقر و محیط‌زیست می‌پردازد. به‌عبارت‌دیگر، «مسئولیت اجتماعی شرکت» مرتبط است با تعامل تجارت، حاکمیت و جامعه مدنی (Maimunah, 2009:p209). در تبیین عناصر مسئولیت اجتماعی، به این مهم می‌پردازیم که مسئولیت شرکت‌ها چگونه محقق می‌شود، موانع مسئولیت‌پذیری به چه صورت است و در چهارچوب تئوری مسئولیت اجتماعی، بازیگر مسئول چه فرد یا نهادهایی هستند، محتوای مسئولیت چه حوزه‌ای را شامل می‌شود و طرف مسئولیت (ذی‌نفع مسئولیت) چه شخصی است.

۳-۱. تحقق مسئولیت اجتماعی

مسئولیت اجتماعی درشرایطی محقق می‌شود که شرکت استانداردها یا قراردادهای اجتماعی را نقض کند و این نقض منتسب به عملکرد شرکت باشد. اینکه استاندارد نقض شده در حوزه مقررات دولتی باشد یا تعهدات اختیاری شرکت، در نحوه عکس‌العمل جامعه به نقض

¹Subject-object dichotomy



استاندارد، مؤثر است.

در ارتباط شرکت با متأثران، معمولاً مسئولیت اجتماعی به قراردادهای اجتماعی شرکت و جامعه تحت تأثیر می‌پردازد. این قراردادها ممکن است در قالب استانداردهای تقنینی حاکمیتی باشند یا به صورت ضمنی^۱ و در چهارچوب الحاق شرکت به استانداردهای اجتماعی و اخلاقی جامعه و پذیرش داوطلبانه از سوی شرکت‌ها. (Leonski, 2019: p355)

در حالی که بلوغ شرکت، سوددهی، اهمیت به ارتقا برندینگ و رفاه اجتماعی، تأثیرات مثبت بر مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها دارند، فقدان آگاهی ذی‌نفعان، ضعف در آموزش، اطلاع‌رسانی ناقص، عدم شفافیت، مشکلات اقتصادی، عدم نگرانی از ضعف حسن شهرت، کمبود مقررات و استانداردها، کمبود زیرساخت و فقدان اراده حاکمیتی موانعی برای مشارکت شرکت در عرصه اجتماعی لحاظ می‌شود.^۲

۲-۳. بازیگر مسئول

مسئولیت اجتماعی یک «اصل مستقل»^۳ مثل «عدم ضرر» نیست، بلکه ارتباطی قابل تأمل با «بازیگر» مسئولیت دارد.

برخی محققان معتقدند مسئولیت اجتماعی بر شرکت‌هایی اعمال می‌شود که توانایی اتخاذ تصمیم برای انتفاع و کنترل منابع را دارند و شرکت‌های خیلی کوچک، کوچک و متوسط^۴ را بازیگر شرکتی به معنی خاص محسوب نمی‌کنند؛ (Enderle, 2020: pp20-21) ولیکن وفق «اصول راهبردی ملل متحد در خصوص تجارت و حقوق بشر»^۵، مسئولیت اجتماعی بر همه شرکت‌ها بدون توجه به محتوای عملکردی، مالکیت و ساختار اعمال می‌شود و می‌بایست تمامی شرکت‌های تجاری

¹ Implied contracts

^۲ پژوهشی در خصوص موانع و عوامل مؤثر در تحقق مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها در ایران انجام شده که اعتقادات مذهبی، معروف بودن شرکت، جذب مشتری، ایجاد برند، سوددهی، رفاه اجتماعی و آرمان حفاظت از محیط زیست از جمله عوامل مؤثر در تحقق مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها در ایران ارزیابی شده است. (Alizadeh, 2022: p913)

³ A free-standing ethical principle

⁴ Micro-small-medium

^۵ این سند مشتمل است بر اصول نهادینه شده برای رعایت حقوق بشر در چهارچوب مسئولیت اجتماعی.



متناسب با تأثیرات و اوضاع و احوال، رویکرد مقتضی را در حوزه مسئولیت اجتماعی اعمال کنند. (Donia et al.2020:p7)

۳-۳. محتوای مسئولیت

عنصر «محتوا»^۱ به این مهم می‌پردازد که موضوع مسئولیت اجتماعی چیست و مسئولیت برای چه چیزی اعمال می‌شود؟ شرکت‌ها معمولاً در راستای ایجاد ثروت‌های شخصی و خصوصی فعالیت می‌کنند؛ ولیکن باتوجه به این مهم که از منابع عمومی استفاده می‌کنند انتظار می‌رود در ایجاد ثروت‌های عمومی نیز مشارکت داشته باشند.

در خصوص محتوای مسئولیت اجتماعی مرتبط با موازین حقوق بشری باید توجه داشت که حقوق بشر در قالب تعهد به «حمایت»^۲، تعهد به «احترام»^۳ و تعهد به «جبران»^۴ مورد تضمین قرار می‌گیرد. وظیفه دولت‌ها بیشتر در حوزه «حمایت» است. ایجاد مقررات نهادی به منظور پیشگیری از نقض حقوق بشر و ایجاد سیستم تشویقی و البته تنبیهی مناسب، در چهارچوب «حمایت» تعریف می‌شود.^۵ مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها در حوزه «احترام» و «جبران» است و «حمایت» را شامل نمی‌شود. «نهادهای تجاری»^۶ می‌بایست از نقض یا مشارکت در نقض حقوق بشر ناشی از فعالیت‌های خویش جلوگیری کنند و نیز از آثار مخرب حقوق بشری که با فعالیت، محصولات یا خدمات و روابط کاری ایشان ارتباط دارد (حتی اگر در ایجاد آن‌ها مؤثر نبوده‌اند) پیشگیری کرده یا آن آثار را کاهش دهند.

۳-۴. زی‌نفع مسئولیت

موضوع بعدی در تحلیل عناصر مسئولیت آن است که شرکت‌ها در مقابل چه مقام و

¹Content

²to protect

³to respect

⁴to remedy

^۵ «احترام» به حقوق بشر در راستای تعهد به جلوگیری از نقض حقوق بشر است و «جبران» تعهد به ایجاد شرایطی مناسب برای آسیب‌دیدگان جهت دسترسی به جبران حقوق نقض شده است.

⁶Business enterprises



مرجعی مسئول هستند؟ به عبارت دیگر ذی‌نفع مسئولیت اجتماعی چه نهاد یا افرادی هستند؟ برخی معتقدند مسئولیت اجتماعی در مقابل سهامداران معنا دارد که این رویکرد مورد انتقاد قرار گرفته است.^۱ اعتقاد دیگر مبنی بر آن است که مسئولیت اجتماعی نسبت به «ذی‌نفعان»^۲ شرکت اعمال می‌شود. به عبارت دیگر کارگران، مصرف‌کنندگان، توزیع‌کنندگان و سایر متأثران از تصمیمات مدیریت استراتژیک شرکت، ذی‌نفع مسئولیت اجتماعی هستند. در یک بیان جامع، ذی‌نفع مسئولیت اجتماعی ورای افراد و علاوه بر موارد فوق بوده و شرکت می‌بایست در مقابل جامعه درکل-مسئول باشد.

۴. ماهیت حقوقی مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها

در چهارچوب حقوقی، مسئولیت اجتماعی مبانی متفاوتی از حیث اختیاری یا الزامی بودن، می‌تواند داشته باشد. نقش دولت‌ها در شکل‌دهی به محتوای مسئولیت اجتماعی از حیث الزام-آوری حائز اهمیت است.

مسئولیت اجتماعی و حقوق ارتباط نزدیکی با یکدیگر دارند، این ارتباط از رویکردهای متفاوتی متأثر است. در رویکرد اول؛ حقوق مستقیماً در ایجاد مسئولیت اجتماعی مؤثر است. وفق این رویکرد، طی الزام قانونی، شرکت‌ها مجبور به پذیرش رویه‌های مبتنی بر مسئولیت اجتماعی می‌شوند. الزام شرکت‌ها به فعالیت همراه با شفاف‌سازی و مسئولیت نسبت به آثار اجتماعی و زیست‌محیطی فعالیت‌ها از طریق گزارش‌دهی، در این حوزه است.

رویکرد دوم؛ دائرمدار تفسیر غیرمستقیم مسئولیت اجتماعی توسط حقوق، بدون تأکید بر قوانین بالادستی است. از آن جمله است «برنامه‌های مدیریت مسئولانه» و «استانداردهای ایزو ۱۴۰۰۱».^۳ تکرار بازرسی‌های «سیستم‌های مدیریت زیست‌محیطی»^۴ نیز در جلوگیری از نقض قوانین مؤثر هستند و در واقع سهامداران، بیمه‌گران، وام‌دهندگان و تمامی نهادهای دخیل در فعالیت تجاری را نسبت به سطح و چگونگی انطباق شرکت با موازین اجتماعی، زیست‌محیطی

^۱ جهت مطالعه توضیح مبانی نقد این رویکرد مراجعه شود به: (Bower and Paine.2017:pp.50-60)

^۲ ذی‌نفعان به کلیه گروه‌ها و افرادی اطلاق می‌شود که می‌توانند از فعالیت شرکت تأثیرپذیرند.

^۳ISO14001 Standards

^۴Environmental Management System (EMS)



و حقوق بشری آگاه می سازند. شرکتها به دلیل نگرانی از دادرسی های حقوقی و کیفری سیستم های مدیریت زیست محیطی را توسعه می دهند. گزارش دهی های شرکت در حوزه های مختلف علی الخصوص حقوق بشر و محیط زیست، می تواند مستندی مناسب جهت اثبات «مراقبت مقتضی»^۱ شرکت در دادرسی های احتمالی باشد.

۵. حقوق بشر در مسئولیت اجتماعی

مسئولیت اجتماعی مفهومی است که طبق آن «نهادهای تجاری» به پیشبرد اهداف اجتماعی در اقداماتشان متعهد می شوند. همان طور که اشاره شد، یکی از این اهداف اجتماعی احترام به حقوق بشر متأثران (افراد تحت تأثیر رفتار نهاد تجاری) می باشد. به عبارت دیگر، احترام به حقوق بشر بخشی از مسئولیت اجتماعی شرکتها است. باید توجه داشت که «حقوق بشر تجاری»^۲ و مسئولیت اجتماعی شرکت در ماهیت حقوقی و مفهومی با یکدیگر متفاوت هستند. موضوعات حقوق بشر تجاری حداقل در چهارچوبی غیرمستقیم الزام آور هستند، درحالی که موضوعات مسئولیت اجتماعی شرکت، در بخشی که نهادهای تجاری باید با مقررات منطبق شوند الزام آور می باشند.^۳

در واقع، مسئولیت اجتماعی به لحاظ محتوا و مفاد از مقوله حقوق سخت ولی در مرحله اجرا از مصادیق حقوق نرم به شمار می آید. «مراقبت مقتضی» ارتباطی از نوع لازم و ملزوم با مسئولیت اجتماعی دارد تا حدی که برخی از پژوهشگران از ظهور و پیدایش رژیم مسئولیت اجتماعی مبتنی بر مراقبت مقتضی سخن گفته اند و مراقبت مقتضی را به عنوان مبنای نظری و عملی برای رابطه بین مسئولیت اجتماعی و مسئولیت حقوقی به کار می برند. آنچه مراقبت

¹Due diligence

²Business Human Rights

^۳ برای مثال وفق دستورالعمل شورا و پارلمان اروپایی گزارش دهی الزامی درخصوص احترام به حقوق بشر مقرر شده است و بدین صورت تعهدی برای شرکتها در احترام به حقوق بشر ایجاد شده است. (Certanec, 2019:p121) در تحقیقات انجام شده مشخص شده است که بیش از ۷۰ درصد شرکتها و فعالان اقتصادی به ضرورت احترام به حقوق بشر در اقداماتشان، به عنوان یک الزام قانونی اعتقاد دارند؛ درحالی که مسئولیت اجتماعی را به عنوان رویکردی اختیاری می دانند. به عبارت دیگر، مسئولیت اجتماعی حقوق بشر تجاری را در برمی گیرد، ولی مفهومی گسترده تر دارد و حقوق بشر صرفاً بخشی از مسئولیت اجتماعی است (Ibid. pp. 121-123).



مقتضی حقوق بشر محور را به مسئولیت اجتماعی پیوند می‌دهد، اصل احتیاط است. تحقق مسئولیت اجتماعی مبتنی بر مراقبت مقتضی ایجاب می‌کند که شرکت در مورد حقوق ذی‌نفعان رفتاری معقول داشته باشد.^۱ بی‌شک در صورتی که حقوق بین‌الملل بخواهد به سمت تحقق رژیم مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها حرکت کند باید حقوق نرم و قوام‌نیافته را نقطه عزیمت خود قرار دهد. ضمن آنکه امروزه هنجارهای مسئولیت اجتماعی در پرتو خصوصیات مراقبت مقتضی در حال تبدیل شدن به عناصر مادی و معنوی در رویه و رفتار شرکت‌ها شده‌اند به‌گونه‌ای که از پیدایش حقوق بین‌الملل عرفی شرکت‌ها سخن به میان آمده‌است (ملکی‌پور و دیگران، ۱۴۰۱: صص. ۱۹۳-۱۹۹).

اخیراً، توسعه پایدار به‌عنوان مهم‌ترین مبنای مسئولیت اجتماعی مطرح شده‌است. مسئولیت اجتماعی در بردارنده سیاست‌هایی است که نگرانی‌های زیست‌محیطی، اجتماعی و اقتصادی را مدنظر دارد (حمیدیان و رضایی، ۱۳۹۹: صص. ۵۹-۶۰). ارتباط مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها با موازین حقوق بشری ابتدا در ارتباط با حقوق کار و نگرانی‌های استخدامی در نیمه دهه ۱۹۸۰ ایجاد شد. این ارتباط در دهه ۱۹۹۰ به حوزه کار کودکان تسری یافت.

سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی تلاش فراوانی جهت تطبیق رویکرد شرکت‌های فراملی با موازین حقوق بشری داشته‌اند. از جمله سازمان عفو بین‌الملل اصول حقوق بشر را برای شرکت‌های فراملی اعلام کرد. اتاق بازرگانی بین‌المللی^۲ راهبردهای حقوق بشری را تدوین و سازمان بین‌المللی استانداردسازی^۳ استاندارد راهبردی اختیاری^۴ را مشتمل بر تشویق شرکت‌ها به رفتار تجاری توأم با مسئولیت اجتماعی مقرر داشته است. فعالیت این سازمان‌ها منجر به جلب توجه عموم و اتخاذ سیاست‌های قابل ملاحظه در این حوزه شده‌است. در این قسمت از پژوهش، به رویکرد اسناد بین‌المللی و مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها در چهارچوب حقوق بشر می‌پردازیم. مباحث در سه قالب اسناد حقوق بشری، حقوق کار و حقوق محیط-زیست (که در واقع حوزه مشخصی از حقوق بشر هستند) مورد بررسی قرار می‌گیرند.

^۱ انصاف بین نسلی مفهومی است که بر ضرورت توزیع منصفانه تأثیرات تجارت بر ذی‌نفعان همه نسل‌ها مانند نسل حاضر دلالت دارد.

^۲The International Chamber of Commerce

^۳International Organization for Standardization (ISO)

^۴ISO 26000



۵-۱. اسناد حقوق بشری

ضرورت احترام به حقوق بشر توسط شرکت‌ها بدو طی دو سند توسط سازمان همکاری و توسعه اقتصادی و سازمان بین‌المللی کار تدوین گردید.^۱ همچنین، «عهد جهانی ملل متحد»^۲ به مسئولیت‌های اولیه مرتبط با حقوق بشر پرداخته است.^۳ «کمیسون ارتقا و حفاظت از حقوق بشر»^۴ شورای حقوق بشر، چهارچوب حمایت، احترام و جبران را به منظور جلب بیشتر توجه‌ها به نقش تجارت در حقوق بشر مقرر داشت. این سند نقشی مهم در ارتقا رفتار شرکت‌های فراملی در حوزه حقوق بشر، اعمال کرد. «اعلامیه سازمان بین‌المللی کار ۱۹۷۷»^۵ و «هنجارهای ملل متحد ۲۰۰۳»^۶ از دیگر اسناد این حوزه هستند. تمامی اسناد چهارچوبی حقوقی در خصوص مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها ارائه می‌دهند.

عهد جهانی و نیز راهبردهای سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، هر دو به اعلامیه جهانی حقوق بشر اشاره دارند. لیکن تعداد کمی از شرکت‌های فراملی تعهد به الزامات اعلامیه حقوق بشر را در کدهای رفتاری گنجانده‌اند. این موضوع منجر به نگرانی سازمان‌های حقوق بشری شده است. باید توجه داشت که اجرای مفاد اعلامیه توسط شرکت‌ها در کشوری کمتر توسعه یافته که نظام حقوقی و اجتماعی آن پیشرفتی نکرده است، سهل‌الحصول نیست. بر مبنای تئوری مسئولیت اجتماعی، شرکت‌های فراملی که در عرصه سرمایه‌گذاری فعال هستند، می‌بایست اولاً؛ وضعیت حقوق بشری کشور میزبان را پیش از سرمایه‌گذاری ارزیابی کنند،

^۱ «راهبردهای سازمان برای بنگاه‌های فراملی»، موازینی در خصوص مسئولیت حقوق بشری شرکت‌های فراملی، مشتمل بر موضوعاتی از جمله فرصت‌های شغلی، روابط کاری، سلامت، امنیت و محیط‌زیست مقرر داشت. سازمان بین‌المللی کار نیز در سال ۱۹۷۷ طی «اعلامیه سه‌گانه اصول مربوط به بنگاه‌های چندملیتی و سیاست‌های اجتماعی» به نگرانی‌های استخدام و روابط کاری مرتبط با این شرکت‌ها پرداخت.

^۲ عهد جهانی طرح ابتکاری داوطلبانه‌ای است که به منظور ترویج حسن شهروندی در بخش خصوصی ایجاد شده است. نهادهای شرکت‌کننده به اعمال اصول ۹ گانه (در حوزه‌های حقوق بشر، کار و محیط‌زیست) در تمامی فعالیت‌های خود متعهد می‌شوند.

^۳ <https://www.unglobalcompact.org/what-is-gc/mission/principles> (last accessed 26 Mar. 2023)

^۴ Sub-Commission on the Promotion and Protection of Human Rights

^۵ ILO Tripartite Declaration of Principles Concerning Multinational Enterprises and Social Policy, 16 November 1977.

^۶ 2003 UN Norms



ثانیاً؛ رعایت حقوق بشر را طی توافقی با کشور میزبان تضمین نمایند، ثالثاً؛ رعایت حقوق بشر در مرحله سرمایه‌گذاری را رصد و نظارت کنند این موارد در نیل به «سرمایه‌گذاری توأم با مسئولیت اجتماعی»^۱ بسیار مؤثر است.

امروزه حقوق «جمعیتی»^۲ جوامع بومی دولت میزبان که در محدوده پروژه زندگی می‌کنند یا به‌طور مستقیم تحت تأثیر پروژه هستند، به رسمیت شناخته شده‌است.^۳ عدم توجه به موازین حقوق بشری در «هیئت بازرسی بانک جهانی»^۴ مرتبط با «قضیه لوله‌کشی چاد- کامرون»^۵ در نظر گرفته شد و منجر به شکل‌گیری «برنامه مردم بومی»^۶ در خصوص سلامت، آموزش و همکاری‌های کشاورزی گردید.^۷

در قضیه «پروژه هیدروالکتریک»^۸ خطرات اجتماعی و زیست‌محیطی جدی به «میگا»^۹ گزارش شد. «شرکت مالی بین‌المللی»^{۱۰} مربوط به بانک جهانی در این پروژه دخیل و سهم بود، اما مقارن با آشکار شدن آثار مخرب زیست‌محیطی و اجتماعی، سازکار مشاورانطبق (نهاد رسیدگی به شکایات)^{۱۱} پیشنهاد کرد که شرکت مالی بین‌المللی بانک جهانی به‌منظور

¹ Socially Responsible Investing (SRI)

² Collective

^۳ تأثیر فعالیت‌های شرکت‌های فراملی، علی‌الخصوص در پروژه‌های ساختمانی و استخراجی، نسبت به محیط‌زیست و زندگی اجتماعی مجاوران، امری اجتناب‌ناپذیر است. بسیاری از این بنگاه‌ها، اقدام به تأسیس مدارس، کلینیک‌ها، تأمین بورسیه و نیز دسترسی به آب سالم برای مجاوران نموده‌اند. اغلب این پروژه‌ها، با شروط مندرج در وام‌های اعطایی (مخصوصاً شروط تعیین‌شده توسط بانک جهانی) کنترل می‌شوند.

⁴ World Bank Inspection Panel

⁵ Chad-Cameroon Pipeline Project

⁶ Indigenous People Plan (IPP)

⁷ Cameroon Petroleum Development and Pipeline Project and Petroleum Environment Capacity Enhancement Project Inspection Panel Investigation Report xx-xxi, No. 25734

⁸ Pangué Hydroelectric Project

^۹ آژانس تضمین سرمایه‌گذاری چندجانبه (Multilateral Investment Guarantee Agency) معروف به میگا، در سال ۱۹۸۸ توسط گروه بانک جهانی تأسیس شد. هدف از تشکیل میگا توسعه سرمایه‌گذاری مستقیم در کشورهای درحال توسعه است. برای مطالعه بیشتر رجوع شود به: (نساری، ۱۴۰۰: صص. ۵۷-۵۹)

¹⁰ International Finance Corporation (IFC)

¹¹ MIGA's Compliance Advisor Ombudsman (CAO)

(CAO) به‌عنوان یک نهاد مستقل جهت ایجاد بستر لازم برای اعلام نگرانی افراد و جوامع تحت تأثیر پروژه‌ها یا فعالیت‌های مورد حمایت میگا تأسیس شده است. این سازکار از مدیریت میگا مستقل بوده و گزارش‌های خود را



تضمین پایداری اجتماعی و زیست‌محیطی پروژه و اجرای تعهدات حقوق بشری و زیست-محیطی اقدام نماید.

تدقیق در عملکرد بانک جهانی نشان از این مهم دارد که اقدامات اتخاذی تنها در چهارچوب سیاست‌های اقتصادی بانک جهانی نبوده که این امر چهره اجتماعی بانک را بیشتر روشن می‌کند.

۲-۵. اسناد حقوق کار

در حوزه حقوق کار، راهبردهای سازمان همکاری و توسعه اقتصادی^۱ و عهد جهانی^۲، هر دو بر شش اصل مهم که بنگاه‌های فراملی ملزم به رعایت آن‌ها هستند تأکید دارند: الف) آزادی اجتماعات و شناسایی مؤثر «حق بر مذاکرات دسته‌جمعی»^۳ ب) حذف فشار یا کار اجباری ج) لغو مؤثر کار کودکان د) زدودن تبعیض استخدام ه) تشویق شکل‌گیری سرمایه‌های مردمی و) تنظیم مقررات مؤثر سلامتی و ایمنی. «برگ سبز کمیسیون اروپایی در خصوص مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها»^۴ نیز تأثیر اجتماعی بنگاه‌های فراملی بر اشتغال را مورد شناسایی قرار داده است.^۵ در چندین مورد شرکت‌ها به دلیل بهره‌بری از کودکان کار و

مستقیماً به ریاست گروه بانک جهانی اعلام می‌دارد. شکایات ممکن است توسط افراد، گروه‌ها، جوامع، نهادها و یا هر فرد تحت تأثیر یا با احتمال متأثر شدن از آثار اجتماعی و زیست‌محیطی فعالیت یا پروژه اقامه شود. برای مطالعه بیشتر مراجعه شود به: (Waters, 2015: p362) و (Reif, 2020: p351)

¹ OECD Guidelines, at 19, 21

² The Ten Principles of the UN Global Compact, at principles 3-6.

³ Right to Collective Bargaining

⁴ The EC Commission Green Paper on CSR, Promoting a European framework for Corporate Social Responsibility, DOC/01/9 Brussels, 18 July 2001, available at: www.europa.eu/rapid/press-release_DOC-01-9_en.pdf

⁵ OECD Guidelines, at 22 Green Paper, at 13

آزادی اجتماعات و حق بر مذاکرات جمعی، ممکن است با محدودیت‌های محلی مواجه باشد. به علاوه مقررات سلامتی و ایمنی در کشور میزبان ممکن است در حد استانداردهای کشور وطن نباشد. همچنین دستمزدهای پایین در بسیاری از کشورهای کمتر توسعه یافته احتمال دارد منجر به کار برده‌گونه و یا کار کودکان شود. در چنین شرایطی شرکتی که از نظر اجتماعی مسئول نیست برای جلوگیری از اعتراضات، خود را تابع قوانین محلی می‌داند. باین‌حال روح اسناد قائل بر آن است که حقوق داخلی باید در جایگاهی باشد که شرکت‌ها اجازه سوءاستفاده نداشته باشند.



مشارکت در دستمزدهایی در حد استانداردهای فقر ملل متحد، محاکمه شده‌اند.^۱ اعلامیه سه‌بخشی سازمان بین‌المللی کار نیز، به این موضوع پرداخته‌است. استانداردهایی که در این سند مقرر شده در فصل چهارم راهبردهای سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، هنجارهای ملل متحد و اصول ۲ - ۶ عهد جهانی ملل متحد، تبلور یافته است. به عبارت دیگر تمامی اسناد فوق، شرکت‌های فراملی را به انطباق با معیارها و موازینی که در اعلامیه سال ۱۹۹۸ سازمان بین‌المللی کار مرتبط با حقوق و اصول بنیادین در کار بیان شده، فرامی‌خوانند. بادر نظر گرفتن فعالیت شرکت‌های فراملی در سطح بین‌المللی، این اسناد مقرر می‌دارند که استانداردهای روابط استخدامی و صنعتی نمی‌بایست کمتر از استانداردهای ملاحظه شده در کشور میزبان باشد. همچنین شرکت‌ها می‌بایست نسبت به استخدام و آموزش نیروهای محلی با دیدگاه افزایش و تقویت سطح مهارت آن‌ها اقدام کنند.^۲

۳-۵. اسناد زیست‌محیطی

تا جایی که به محیط‌زیست سالم به عنوان حقی بشری مربوط می‌شود راهبردهای سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، شرکت‌های فراملی را به ضرورت حفاظت از محیط‌زیست، سلامتی عمومی، امنیت و به‌طور کلی انجام امور به شیوه‌ای متناسب با هدف بزرگ توسعه پایدار در چهارچوب قوانین، مقررات و رویه‌های اداری کشور محل فعالیت و با ملاحظه موافقت‌نامه‌های بین‌المللی، فرامی‌خوانند.^۳ اصول راهبردی ملل متحد به لزوم در نظر گرفتن الزامات حقوق بشری و زیست‌محیطی مذاکرات جهت انعقاد قراردادهای و معاهدات سرمایه‌گذاری اشاره دارد.^۴

^۱ برای مثال، Unocal Corp به دلیل تجاوز، کشتار، کار اجباری و اقامت اجباری توسط دولت میانمار در خصوص تولیدات گاز شرکت و پروژه لوله‌کشی در آن کشور مورد تعقیب قرار گرفت. توضیح آنکه در اقدامات شبه جرم در این قضیه (Doe v. Unocal Corp. 963 F. Supp. 880 (C.D. Cal. 1997)، دادگاه بخش فدرال کالیفرنیا، چنین نتیجه گرفت که شرکت‌ها و نمایندگان اجرایی آن‌ها وفق قوانین مربوطه (the Aliens Tort Claims Act, 28 USC-1350) به جهت نقض حقوق بشر خارج از ایالات متحده مسئول می‌باشند.

^۲ OECD Guidelines, Chapter IV.

^۳ OECD Guidelines, Chapter VI, para. I.

^۴ UN Guiding Principles, no. 11-24, available at:

http://www.ohchr.org/Documents/Publications/HR.PUB.12.2_En.pdf (last accessed 26 Apr. 2023)



معاهدات بین المللی زیست محیطی، تعهداتی را بر دولت ها تحمیل می کنند و متعاقباً دولت ها نسبت به قانون گذاری داخلی (جهت انعکاس تعهدات به اشخاص حقوقی و حقیقی) اقدام می نمایند. از سوی دیگر، ملاحظات زیست محیطی در سیاست های سازمان تجارت جهانی و تصمیمات نهاد استیناف مورد توجه قرار گرفته اند. اکثریت قابل توجهی از بنگاه های فراملی چهارچوب های زیست محیطی را در کدهای اقتصادی و تجاری وارد کرده اند. توسعه پایدار مرتبط با مسئولیت اجتماعی شرکت، از طریق مکانیسم های بیمه ای یا وام دهی اعمال و نظارت می شود و همچنین در راهبردهای سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، عهد جهانی و دستورالعمل ۲۱ لحاظ شده است (نساری، ۴۸: ۱۴۰۰-۴۹).

بانک جهانی کنترل های زیست محیطی را پیش و در حین اجرای سرمایه گذاری الزامی دانسته است. پروژه های سرمایه گذاری برای پیشبرد قابلیت های اجتماعی و حفاظت از محیط زیست وام دریافت می کنند.^۱ اگرچه عبارت پردازی سیاست گذاری های زیست محیطی بانک جهانی ارجاع مشخص و واضحی به توسعه پایدار ندارد، لیکن این موضوع به طور ضمنی از ماده (۱) (د) ۱۲ کنوانسیون میگا قابل برداشت است. این مقرر در چهارچوب حفاظت از محیط زیست هم زمان با مدیریت منابع طبیعی، تفسیر شده است و به تضمین سرمایه گذاری هایی تأکید می کند که از نظرگاه اقتصادی مناسب بوده و در توسعه دولت میزبان مشارکت دارند. (MIGA's Environmental and Social Review Procedures, 1999)

مضمون راهبردهای سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، عهد جهانی و سایر اسناد مرتبط با مسئولیت اجتماعی مشتمل است بر مدیریت محیط زیست، رویکرد احتیاطی و پیشگیرانه نسبت به نیازهای صنعتی، تولید تمیزتر، بازیافت و استفاده از منابع قابل تجدید از طریق اختراعات صنعتی و سهم شدن در این ابداعات، افشای عمومی و مشورت با سهامداران. امتزاج رویکرد پیشگیرانه و مدیریت محیط زیست مستلزم آن است که شرکت ها

^۱ برای مثال به برنامه Credit (CAPECE) Project (Petroleum Environment Capacity Enhancement) (No. 3372-CM) می توان اشاره کرده که علاوه بر وام مربوط به پروژه لوله کشی چاد-کامرون، این برنامه نیز به عنوان حمایت مالی و وام، جهت تقویت مبانی زیست محیطی لحاظ شده بود.

Cameroon-Petroleum Development and Pipeline Project; Petroleum Environment Capacity Enhancement (CAPECE) Project: Eligibility Report, Inspection Panel Report and Recommendation, (July 24, 2003)



پژوهش‌های حقوق تطبیقی / تابستان ۱۴۰۲ / دوره ۲۷ / شماره ۲ / پیاپی ۱۲۰ / صص ۴۰-۶۹

از اقداماتی که ممکن است منجر به آثار بالقوه مخرب زیست‌محیطی شود، جلوگیری کنند.^۱ عهده‌ جهانی نیز به این موضوع با تدقیق در هزینه‌های بیمه‌ای، منافع طولانی‌مدت و تصویر ارائه‌شده از شرکت می‌پردازد. مکانیسم‌هایی همچون ارزیابی خطرات زیست‌محیطی، چرخه حیات، آثار زیست‌محیطی و استراتژی‌های محیط‌زیستی مشتمل بر افشای عمومی و مشورت با سهامداران، از جمله راهبردهای اجرایی می‌باشند (Guide to Global Compact, at 54).

۶. الزام‌آوری مسئولیت اجتماعی

اسناد حقوق بین‌الملل، کدهای شرکتی و قوانین ملی همگی بیانگر اصولی از مسئولیت اجتماعی می‌باشند که مشتمل است بر تعهدات حقوق بشری، حمایت از مصرف‌کننده، مبارزه با فساد، گسترش انتقال تکنولوژی به کشورهای کمتر توسعه‌یافته، اجتناب از انحصارگرایی و فرار مالیاتی.

در این قسمت به این مهم می‌پردازیم که مبانی مسئولیت اجتماعی به چه صورت است؛ آیا مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها الزام‌آور است یا داوطلبانه.

۶-۱. محتوای اسناد بین‌المللی مرتبط با مسئولیت اجتماعی

کمیسیون حقوق بشر ملل متحد، به موضوع «تأثیر فعالیت شرکت‌های فراملی در بهره‌وری از حقوق بشر» پرداخته و به ضرورت اتخاذ اقدامات تحت لوای ملل متحد جهت انطباق رویکرد شرکت‌های فراملی در چهارچوب حقوق بشر تأکید دارد.^۲ هنجارهای پذیرفته‌شده ملل متحد در خصوص مسئولیت شرکت‌های فراملی نیز سندی پرمایه است. برخلاف سایر اسنادی که به خصوصیت داوطلبانه بودن اشاره دارند، این سند در دستورالعمل شماره ۴ تأکید می‌کند که بنگاه‌های فراملی «متعهد به توسعه، تأمین اجرا، احترام، تضمین احترام و حمایت از

¹OECD Guidelines, at 23

Rio Declaration, Principle 15
Global Compact, Principles 3-6

²Sub-Comm'n, The Effects of the Working Methods and Activities of Transnational Corporations on the Enjoyment of Human Rights, UN Doc. A/HRC/Sub.1/Res/2006/7



حقوق بشر شناخته شده در حقوق بین الملل و حقوق داخلی هستند...^۱ مؤثرترین اسناد عام بین المللی مرتبط با مسئولیت اجتماعی شرکت به شرح تفصیلی در قسمت «محتوای مسئولیت اجتماعی» مشتمل است بر عهدجهانی ملل متحد، اعلامیه سازمان بین المللی کار در خصوص اصول و حقوق بنیادین در کار و راهبردهای سازمان همکاری و توسعه اقتصادی. این اسناد مشتمل بر الزامات حقوق بشری و توسعه پایدار^۲ هستند. حائز اهمیت آنکه اسناد پیش گفته بیشتر در حوزه اسناد حقوق نرم بوده و از قدرت الزام آوری برخوردار نیستند. با این حال اغلب شرکتها آنها را رعایت می کنند.

۶-۲. گزارش دهی شرکتها

علاوه بر اینکه قوانین داخلی بعضاً الزام به گزارش دهی حقوق بشری و زیست محیطی شرکتها را مقرر می دارند (و یا این گزارشها را به عنوان بخشی از اطلاعات مالی ضروری اعلام کرده اند)، شرکتها گزارشهای داوطلبانه نیز در این حوزه ارائه می دهند. در سال ۲۰۲۰ KPMG^۳ طی گزارشی مرتبط با پایداری شرکتها اعلام کرد که گزارش دهی در حوزه زیست محیطی، اجتماعی و پایداری از سال ۲۰۱۷ در سطح جهانی افزایش داشته است.^۴ راهبردهای سازمان همکاری و توسعه اقتصادی و نیز عهد جهانی اعتبار مکانیسمهای گزارش دهی را مورد تأیید قرار داده اند. شاید مهم ترین نهاد در این بین (GRI)^۵ باشد که تا

¹ Norms on the Responsibilities of Transnational Corporations and Other Business Enterprises with regard to Human Rights, U.N. ESCOR, 55th Sess. Agenda Item 4

^۲ دیوان بین المللی دادگستری در پاراگراف ۱۴۰ از رأی گابچیکوناگیماروس (۱۹۹۷) دیدگاه خود را در خصوص توسعه پایدار که بیشتر متضمن "مفهوم" بودن آن است تا "اصل" بودن بیان کرد.

^۳ سرویسهای این شرکت در بردارنده مشاوره مالی، مالیاتی و حسابرسی است.

^۴ در امریکا (شمالی و لاتین) با ۷٪ افزایش از سال ۲۰۱۷، میزان گزارش دهی به ۹۰٪ در سال ۲۰۲۰ رسیده است. این رقم در اروپا ۷۷٪، خاورمیانه و آفریقا ۵۹٪ و آسیا اقیانوسیه ۸۴٪ بوده است. این آمار حکایت از افزایش میزان گزارش دهی شرکتها در حوزه پایداری (sustainability) دارد. برای مطالعه بیشتر مراجعه شود به:

https://assets.kpmg/content/dam/kpmg/be/pdf/2020/12/The_Time_Has_Come_KPMG_Survey_of_Sustainability_Reporting_2020.pdf (last accessed 26 Jan. 2022)

⁵ Global Reporting Initiative



حدودی توسط «برنامه عمران ملل متحد»^۱ حمایت می‌شود. وظیفه این نهاد گسترش راهبردها به‌منظور گزارش‌دهی و تطبیق اقدامات حقوق‌بشری، زیست‌محیطی و اقتصادی است.^۲ گزارش‌هایی که بر مبنای GRI تهیه می‌شوند می‌بایست شفاف، فراگیر (دربردارنده دیدگاه ذی‌نفعان)، کامل، مرتبط، دقیق، بی‌طرفانه، قابل‌مقایسه، واضح و بهنگام باشند.

وجود دونیروی گزارش‌دهی داوطلبانه و مقررات ملی و بین‌دولتی قابل‌توجه است. این گزارش‌ها می‌بایست در مواردی که مشتمل بر پارامترهای GRI هستند، قابل‌اعتماد تلقی گردند. در حال حاضر، ارتباط بین مسئولیت‌اجتماعی شرکت و ارتقا ارزش و اهمیت برند تجاری تثبیت شده است. لذا رعایت مسئولیت اجتماعی به مکانیسمی جهت ارتقا ارزش تجاری برند که از آن با عنوان «بازاریابی علت‌محور»^۳ یاد می‌شود، تبدیل شده است. بازاریابی سببی یا علت-محور فعالیت اقتصادی است که طی آن تجارت و خیریه برای نیل به هدفی مشترک، با ایجاد یک تصویر، محصول یا خدمت پیوند می‌یابند.

آنچه به‌صورت روزافزون قابل‌ملاحظه است استفاده از برچسب‌های (لیبل‌های) اجتماعی و زیست‌محیطی در محصولات می‌باشد. در اتحادیه اروپایی، برچسب‌ها گامی فراتر از حق آگاهی مشتریان هستند و برچسب‌های محیط‌زیستی در موارد متعدد ضروری تشخیص و توسعه یافته است.^۴

بناگاه‌های فراملی در کدهای ضوابط اخلاق تجاری، اصول بنیادین مقرر در بسیاری از اسناد بین‌المللی را کم‌وبیش پذیرفته‌اند، از جمله احترام به برخی حقوق بشر علی‌الخصوص حقوق کار و محافظت از محیط‌زیست. با این وجود همچنان تا نیل به رژیم حقوقی رضایت‌بخش که از حیث قضایی و حقوقی شرکت‌ها را به رعایت تمام استانداردهای حقوق بشری ملزم نماید راه مانده است. سیاست‌های حقوق بشری و زیست‌محیطی می‌گا و بانک جهانی در کاهش و تا

^۱United Nations Development Programme (UNDP)

^۲ برای دسترسی به استانداردهای GRI مراجعه شود به:

<https://www.globalreporting.org/standards/media/2594/gri-standard-glossary-2020.pdf> (last accessed 26 Jan. 2022)

^۳ Cause- Related Marketing (CRM)

^۴ درک اجتماعی از یک برند بر ارزش آن تأثیر دارد. موضوع آلودگی در کارخانه کوکاکولا واقع در بلژیک در ۱۹۹۹، منجر به کاهش حدود ۴۰ درصدی ارزش سهام این شرکت شد. برای مطالعه بیشتر مراجعه شود به: (Quezado et al.2022)



حدودی قطع سوءاستفاده‌ها در کشورهای درحال توسعه مؤثر است، چراکه شرکت‌ها بر مبنای این سیاست‌ها، برنامه‌ی ارزیابی خطرات و تأثیرات حقوق بشری، اجتماعی و زیست‌محیطی اقدامات خود را تدوین می‌نمایند. قضایا و پرونده‌هایی که نزد نهادهای بانک جهانی و میگا مطرح شده‌اند نتیجه مستقیم مؤثربودن برنامه‌های پیش‌گفته است.

۳-۶. کدهای رفتاری

کدهای رفتاری، اسناد سیاست‌گذاری هستند که بیانگر استانداردهای رفتاری یک شرکت می‌باشند و در قالب اعلامیه سیاست‌های عمومی و یا ضمن قراردادهای منعقد شده توسط شرکت بوصفیه که طرف مقابل نسبت به استانداردهای اخلاقی شرکت ملتزم شود، گنجانده می‌شوند. در سال‌های اخیر بسیاری از شرکت‌ها کدهای رفتاری را تدوین کرده‌اند. بسیاری از کدهای رفتاری مشتمل هستند بر نگرانی‌های حقوق بشری. سازمان همکاری و توسعه اقتصادی پیشنهاد می‌کند که اثربخشی کدهای رفتاری را نه صرفاً بر مبنای عملکرد، بلکه می‌بایست بر اساس آنچه جوامع از شرکت‌ها انتظار دارند مورد بررسی قرارداد.^۱ کدهای رفتاری شرکت‌ها، از نظرگاه حقوقی قابلیت اجرایی ضعیفی دارند. در حالی که مقررات فراسرزمینی اندکی در حوزه حقوق بشر وجود دارد که برای شعب شرکت در خارج از سرزمین اصلی الزام‌آور باشد، سیاست‌های کاربردی و عملی بانک جهانی^۲ و برخی دیگر از مؤسسات و نهادهای وام‌دهنده، اعطای وام بدون ارزیابی‌های حقوق بشری، زیست‌محیطی و توسعه‌پایدار را غیرممکن اعلام کرده‌اند.^۳ در بسیاری از موارد با اقدامات داخلی و ملی در خصوص کدهای رفتاری مواجه هستیم، مثلاً قانون سربنس ایالات متحده امریکا

^۱Private Initiatives for Corporate Responsibility: An Analysis, OECD Working Paper available at:

http://www.oecd.org/daf/inv/investment-policy/WP-2001_1.pdf

^۲ برای مثال:

World Bank, Operational Policy 4.01: Environmental Assessment, Jan. 1999, available at: <https://policies.worldbank.org/sites/ppf3/PPFDocuments/090224b0822f7384.pdf> World Bank, Operational Policy 4.04: Natural Habitats, June 2001, Revised April 2013, available at: <https://policies.worldbank.org/sites/ppf3/PPFDocuments/090224b0822f74ac.pdf>

^۳European Bank for Reconstruction and Dev. Sound Business Standards and Corporate Practices: A set of Guidelines (Sept. 1997), available at: www.ebrd.com/documents/comms-and-bis/pdf-sound-business-standards.pdf



شرکت‌های موضوع خود را به افشای این مهم که آیا کد رفتاری مشخصی دارند یا خیر ملتزم داشته است.^۱

نقش حقوق بشر در کدهای رفتاری و رویه آن تاحدودی پیچیده است. حقوق بشر در حوزه شرکت‌های فراملی نه تنها محیط‌زیست سالم، حقوق کار، سلامتی، کودکان کار و حمایت از مصرف‌کننده را دربردارد، بلکه موضوعات حقوق بشری که جامعه موضوع فعالیت شرکت‌های فراملی را تحت تأثیر مستقیم یا غیرمستقیم قرار می‌دهند را نیز شامل می‌شود. جابجایی اجباری، خشونت علیه جمعیت محلی توسط نیروهای انتظامی دولت میزبان برای حمایت از شرکت فراملی و تجهیزات آن، حبس، شکنجه و کشتن فعالان ضد شرکت، از آنجمله است.

۴-۶. تنظیم از طریق قانون‌گذاری داخلی

لحاظ مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها در قوانین داخلی، مرحله‌ای جدید اما محدود می‌باشد. به‌عنوان مثال «قانون سربنس» شرکت‌ها را ملزم به افشا و رعایت اخلاقیات می‌داند. در بریتانیا، «لایحه مسئولیت شرکتی» تا حدودی درصدد پاسخ به کوتاهی دولت در نظارت و شفاف‌سازی عملکرد شرکت و پاسخگویی نسبت به سهامداران برآمده است. ماده ۲ لایحه، برکارکرد فراسرزمینی در نگرانی‌های کلان مسئولیت اجتماعی تأکید و همچنین بر تعهد به تهیه و انتشار گزارش‌ها توجه می‌کند. بعلاوه ماده ۷ و ۸ بر تعهدات اجتماعی و زیست‌محیطی مدیران اصرار دارد.^۲ در فرانسه «قوانین اقتصادی جدید»^۳ که به‌تازگی اصلاح شده است، بر تعهد به گزارش‌دهی (افشای عمومی) برای کلیه شرکت‌ها تأکید می‌کند و بر روابط کاری بین-المللی و ملی، محیط‌زیست و مشارکت اجتماعی توجه ویژه دارد. در تمامی دول توسعه‌یافته افزایش فشار اجتماعی جهت الزام شرکت‌ها به رعایت مبانی افشای عمومی و شفاف‌سازی در جریان است.

¹ Sarbanes –Oxley Act, 15 U.S.C.A. 7264

² Corporate Responsibility Bill available at:

<https://www.publications.parliament.uk/pa/cm200203/cmbills/129/2003129.pdf> (last accessed 26 Apr. 2023)

³ Nouvelles Regulations Economiques(NRE)



۷. نتیجه گیری

شرکت های فراملی نقشی مهم در ترویج توسعه پایدار و کاهش فقر جهانی دارند. این شرکت ها نه تنها پتانسیل و منابع مرتبط را در اختیار دارند، بلکه قدرت متقاعد کردن و شنیده شدن را نیز دارا می باشند. تا اوایل دهه ۱۹۹۰، جذابیت سرمایه گذاری خارجی در کشورهای کمتر توسعه یافته باعث افزایش نقض حقوق بشر توسط بنگاه های فراملی شد. در راستای توسعه فزاینده ارتباطات و رشد فعالیت های حقوق بشری و نیز افزایش آگاهی در مصرف کنندگان، حفظ حقوق ذی نفعان شرکت (نسبت به صرفاً حفظ حقوق سهامداران) مورد تأکید قرار گرفت.

در پاسخ به پرسش اول پژوهش مبنی بر تأثیر تئوری مسئولیت اجتماعی بر رعایت موازین حقوق بشری، باید توجه داشت احترام به حقوق بشر بخشی از رویکرد شرکت ها می باشد و نهادهای تجاری باید نقش خود را در حمایت از حقوق بشر ایفا کنند. تمامی طرح های مسئولیت اجتماعی به حقوق بشر تأکید دارند.

اگرچه مسئولیت اجتماعی علی الاصول ماهیت ارادی دارد و شرکت ها به طور خودخواسته مسئولیت اجتماعی را بر عهده می گیرند تا انتظارات سهامداران و متأثران را تأمین نمایند، با این حال الزام به رعایت حقوق بشر (علی الخصوص حفاظت از محیط زیست و حقوق کار) در کشور میزبان توسط قوانین داخلی دولت میزبان و خود محدود سازی بنگاه های فراملی (خودقانون گذاری) تضمین می گردد. خودقانون گذاری توسط اسناد بین المللی، تقویت و تحکیم شده است (اسنادی مانند راهبردهای سازمان همکاری و توسعه اقتصادی برای شرکت های فراملی، عهد جهانی ملل متحد، راهبردهای سازمان های غیردولتی یا استانداردهای گزارش دهی). همچنین، با توجه به رویکرد بشر محور ایجاد شده در جامعه بین المللی، شرکت های فراملی تا حد بسیاری ملزم به بازبینی اقدامات اجرایی و مکانیسم های مدیریتی شده اند. این رویکرد، مرحله حاضر در سیر مسئولیت اجتماعی شرکت به شمار می رود.

در جمع بندی پاسخ به پرسش دیگر پژوهش مبنی بر مبنای تئوری مسئولیت اجتماعی از حیث الزام یا اختیار باید توجه داشت، از آنجا که تغییر در جوامع به تحول در رژیم های حقوقی منجر شده است، بی عدالتی های ساختاری، نیاز به اتخاذ راه حل های متفاوت را مقرر می دارند. رویکرد شرکت ها، نهادهای خصوصی، دولت ها و بازیگران غیردولتی در عرصه بین المللی بیانگر



نیاز به امتزاج هنجارهای حقوقی الزام‌آور و داوطلبانه است. این اختلاط و امتزاج در شکل‌گیری حقوق پست‌مدرن در حوزه مسئولیت اجتماعی مؤثر بوده است. به عبارت دیگر، هنجارسازی‌های مسئولیت اجتماعی صرفاً در چهارچوب‌های سخت حقوقی قرار نمی‌گیرد و می‌توان آن را به‌عنوان قالبی برای ایجاد تحول در حقوق، در نظر گرفت. این شکل جدید از مقررات‌سازی، گستره حقوق را توسعه داده است. حقوق نرم بین‌المللی که مسئولیت اجتماعی تا حدود زیادی مبتنی بر آن است، بیانگر ضرورت افزایش آگاهی جامعه نسبت به ایجاد مقررات حقوقی برای فعالیت‌های تجاری می‌باشد. با تدقیق در مراتب پیش‌گفته مشخص می‌شود که موضوع مسئولیت اجتماعی صرفاً در حوزه حقوق نرم نیست و قوامی نسبی ایجاد شده است. در واقع، مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها در حوزه حقوق بشری مشتمل بر ترکیب قواعد حقوقی سخت و نرم است. به نظر می‌رسد گام نهایی در ارتباط مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها و احترام به حقوق بشر وقتی حاصل می‌شود که این تعامل در اسناد الزام‌آور تبیین گردد.

۸. منابع

۸-۱. منابع فارسی

الف) مقالات

- ۱- حمیدیان، حمید و علی رضایی، (۱۳۹۹). «نقد و بررسی جایگاه مسئولیت اجتماعی در چهارچوب معاهدات سرمایه‌گذاری: با مطالعه تطبیقی حقوق ایران، کانادا، برزیل و اتحادیه اروپا»، فصلنامه پژوهش‌های حقوق تطبیقی، دوره ۲۴، شماره ۴، صفحات ۹۵-۵۵.
- ۲- زبردست، فرناز و محمدجعفر قنبری جهرمی، (۱۴۰۰). «دعای غیرمستقیم سهامداران در مراجع بین‌المللی علیه دولت میزبان، با نگاهی بر حقوق ایران و انگلیس»، پژوهشنامه حقوق تطبیقی، دوره ۵، شماره ۱، صفحه ۱۰۷-۱۳۲.
- ۳- ضیایی، سیدیا سر و محسن لطفی گماسایی، (۱۴۰۰). «مسئولیت اجتماعی شرکت‌های فراملی؛ فرصت‌ها و چالش‌ها»، مجله پژوهش‌های حقوقی، دوره ۲۹، شماره ۴۶، صفحه ۲۵۵-۲۸۲.
- ۴- کامل نواب، مرتضی و غلامعلی قاسمی، (۱۴۰۱). «نقش سازمان‌های غیردولتی در فرایند رسیدگی دیوان اروپایی حقوق بشر»، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی دانشگاه تهران،



دوره ۵۲، شماره ۱، صفحه ۵۳۱-۵۵۲.

۵- محمودی، سید هادی و منصوره صدیقیان کاشانی، (۱۳۹۷). «تعهدات حقوق بشری و شرکت‌های فراملی با تأکید بر رویکرد شورای حقوق بشر»، *مجله حقوق تطبیقی*، دوره ۹، شماره ۲، صفحه ۸۲۹-۸۴۹.

۶- ملکی پور، حامد؛ پوریاعسکری و فریده شایگان، (۱۴۰۱). «تحلیل مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها در پرتو مفهوم مراقبت مقتضی مبتنی بر حقوق بشر»، *مجله مطالعات حقوق عمومی*، دوره ۵۲، شماره ۱، صفحه ۱۸۵-۲۰۶.

۷- نساری، الناز (۱۴۰۰)، «نقش نهاد بیمه‌کننده سرمایه‌گذاری خارجی در نیل به سرمایه‌گذاری پایدار با تأکید بر عملکرد میگا»، *پژوهش حقوق عمومی*، دوره ۲۲، شماره ۷۰، صفحه ۴۴-۶۹.

۸- نساری، الناز و سیدقاسم زمانی، (۱۳۹۷). «سلب مالکیت زیست‌محیطی در رویه داوری سرمایه‌گذاری خارجی»، *پژوهش‌های حقوق تطبیقی*، دوره ۲۲، شماره ۳، صفحه ۱۰۵-۱۳۶.

۲-۸. منابع انگلیسی

A) Books

9. Reif, Linda C. (2020), *the Ombudsman, Good Governance and the International Human Rights System*, Second Revised Edition (Boston: BRILL NIJHOFF).

10. Schermers, Henry G. and Blokker, Niels M. (2011), *International Institutional Law-Unity within Diversity*, 5th Edition, (Boston: MartinusNijhoff Publishers).

B) Articles

11. Abdelsalam A. Mohamed (1999). "Individual and NGO Participation in Human Rights Litigation before the African Court of Human and Peoples' Rights: Lessons from the European and Inter-American Court of Human Rights", *Journal of African Law*, Vol.43, No.2; p. 201-213.

12. Alizadeh, Amin (2022). "The Drivers and Barriers of Corporate Social Responsibility: A Comparison of the MENA Region and Western Countries", *Sustainability*, Vol.14, No.2; p. 909-925.



13. Bower, Joseph L., and Lynn S. Paine (2017). "The Error at the Heart of Corporate Leadership", *Harvard Business Review*, Vol 95, No.3; 165-192.

14. Cavalcante Quezado, Tarcia Camily et al. (2022), "Corporate Social Responsibility and Marketing: A Bibliometric and Visualization Analysis of the Literature between the Years 1994 and 2020", *Sustainability*, Vol. 14, No. 3.

15. Caroline, Kaeb (2016). "The Shifting Sands of Corporate Liability under International Criminal Law", *the George Washington International Law Review*, Vol. 49, No.2; p. 351-403.

16. Certanec Ana (2019), "The Connection between Corporate Social Responsibility and Corporate Respect for Human Rights", *Law, Economics and Social Issues Review*, Vol. 10 No.2; p.103-127.

17. Enderle, George (2020), "Corporate Responsibility for Wealth Creation and Human Rights: a Book Project", *International Journal of Economics and Politics*, Vol. 1, No.1; p. 10-22.

18. Gal-Or, Noemi (2005), "NAFTA Chapter Eleven and the Implications for the FTAA: The Institutionalization of Investor Status in Public International Law", *Transnational Corporations*, Vol. 14, No.2, p. 121-158.

19. Junior, Arno Dal Ri and Bastos Calazans, Erika Louise (2018), "Transnational Corporations Subjectivity Based on the Criteria of the Bernadotte Case and the Traditional International Law Doctrine", *Anuariomexicano de derecho internacional*, Vol. 18, No.1; p. 155-189.

20. Leonski, Wojciech (2019). "Barriers of the Implementation of Corporate Social Responsibility in chosen Enterprises", *Scientific Papers of Silesian University of Technology*, N.136; p. 353-362.

21. Magda B. L. Donia et al. (2020), "The Theorized Relationship between Organizational (Non) Compliance with the United Nations Guiding Principles on Human Rights and Desired Employee Workplace Outcomes", *Sustainability*, Vol. 12, No.5.

22. Maimunah, Ismail (2009), "Corporate Social responsibility and its Role in Community Development: An International Perspective", *The Journal of International Social Research*, Vol. 2, No.9; p. 1-11.

23. Muijsenbergh, Winfried H. A. M. Van Den and Rezai, Sam (2012), "Corporations and the European Convention on Human Rights", *Global Business & Development Law Journal*, Vol. 25, No.1; p.43-68.

24. Waters, James J. (2015), "A Comparative Analysis of Public and Private Political Risk Insurance Policies with Strategic Applications for Risk Mitigation", *Duke Journal of Comparative & International Law*, Vol. 25, No.3;



p. 361-384.

25. Wladyslaw Czaplinski (2016), "Recognition and International Legal Personality of Non-State Actors", *Pecs Journal of International and European Law*, vol. 1; p. 7-31.

C) Documents:

26. Agenda 21: The United Nations Program of Action for Sustainable Development, Chapter 30 Strengthening the Role of Business and Industry 30.1-30.4. available at: <http://www.un-documents.net/a21-30.htm>

27. Corporate Responsibility Bill available at:

DIRECTIVE 2014/95/EU OF THE EUROPEAN PARLIAMENT AND OF THE COUNCIL of 22 October 2014

28. European Bank for Reconstruction and Dev., Sound Business Standards and Corporate Practices: A set of Guidelines (Sept. 1997), available at: www.ebrd.com/documents/comms-and-bis/pdf-sound-business-standards.pdf

29. Human Rights Office of the High Commissioner, the Guiding Principles on Business and Human Rights: Implementing the United Nations "Protect, Respect and Remedy" Framework, New York-Geneva, 2011, UN Doc A/HRC/17/31.

30. OECD Guidelines, available at:

www.mneginelines.oecd.org/2011humanrights.pdf

31. Norms on the Responsibilities of Transnational Corporations and Other Business Enterprises with regard to Human Rights, U.N. ESCOR, 55th Sess., Agenda Item 4

32. Norms on the Responsibilities of Transnational Corporations and Other Business Enterprises with regard to Human Rights, U.N. ESCOR, 55th Sess., Agenda Item 4

33. Private Initiatives for Corporate Responsibility: An Analysis, OECD Working Paper, available at:

http://www.oecd.org/daf/inv/investment-policy/WP-2001_1.pdf

34. Sarbanes –Oxley Act, 15 U.S.C.A., 7264

35. Sub-Comm'n, The Effects of the Working Methods and Activities of Transnational Corporations on the Enjoyment of Human Rights, UN Doc. E/CN.4/Sub.2/RES, para. 4(c)

36. UN Guiding Principles, no. 11-24, available at:

http://www.ohchr.org/Documents/Publications/HR.PUB.12.2_En.pdf

37. World Bank Group, MIGA's Environmental and Social Review Procedures (1999), available at:



http://www.miga.org/screens/policies/disclose/soc_rev.htm

38. World Bank, Operational Policy 4.01: Environmental Assessment, Jan. 1999, available at:

<https://policies.worldbank.org/sites/ppf3/PPFDocuments/090224b0822f7384.pdf>

39. World Bank, Operational Policy 4.04: Natural Habitats, June 2001, Revised April 2013, available at:

<https://policies.worldbank.org/sites/ppf3/PPFDocuments/090224b0822f74ac.pdf>

40. The KPMG Survey of Sustainability Reporting 2020, available at:

https://assets.kpmg/content/dam/kpmg/be/pdf/2020/12/The_Time_Has_Come_KPMG_Survey_of_Sustainability_Reporting_2020.pdf

41. GRI STANDARDS GLOSSARY 2020, available at:

<https://www.globalreporting.org/standards/media/2594/gri-standard-glossary-2020.pdf>

42. The Ten Principles of the UN Global Compact, available at:

<https://www.unglobalcompact.org/what-is-gc/mission/principles>

43. G20/OECD Principles of Corporate Governance, available at:

<https://www.oecd.org/daf/ca/Corporate-Governance-Principles-ENG.pdf>
(2015)

44. The EC Commission Green Paper on CSR, Promoting a European framework for Corporate Social Responsibility, DOC/01/9 Brussels, 18 July 2001, available at:

www.europa.eu/rapid/press-release_DOC-01-9_en.pdf

D) Decisions:

45. Centro Europa 7 S.r.l. and Di Stefano v. Italy (2012) of 6 July 2012, Application n. 38433/09

46. Reparation for Injuries Suffered in the Service of the United Nations, ICJ Rep. 1949.

47. Société Colas EST and Others v. France (2002), European Court of Human Rights, Judgment of 16 April 2002, Application n. 37971/97.

48. Special Tribunal for Lebanon (STL) Case against Al-Jadeed S. A. L. & Al Khayay (The Al-Jadeed Case), STL-14-05/T/CJ, Judgment of 31 January 2014.

49. Sunday Times vs. United Kingdom (1979), European Court of Human Rights, Judgment of 29 March 1979, Application n. 6538/



Transnational Companies' Social Responsibility in the Framework of Human Rights; from Authority to Obligation

Elnaz Nasari

Ph. D. in Public International Law, Faculty of Law and Political Sciences, Allameh
Tabatabai University, Tehran, Iran¹

Receive: 2022/09/19 Accept: 2023/08/08

Abstract

Over the years, increasing the investment in less developed countries has caused actions against human rights standards by transnational companies. Following the development of communication and the growth of human rights activities, the protection of the rights of the company's stakeholders was emphasized. The theory of "Corporate Social Responsibility" emphasizes the need to clarify the actions of transnational companies in the field of human rights. In the present study, the role of this theory in the observance of human rights standards by transnational companies is investigated. Totally, international law documents as well as corporate codes and national laws all express the principles of corporate social responsibility including human rights obligations. Transnational companies insist on voluntary form of obligations in the field of social responsibility. However, the World Bank emphasizes the active duty of social responsibility and obliges multinational companies to take necessary measures to achieve social goals. The World Bank and its members, including MIGA, monitor the application and implementation of social responsibility through practical policies, lending and insurance mechanisms.

Keywords: Human Rights, Beneficiary, Transnational Company, Reporting, Corporate Social Responsibility

* Corresponding Author: nesarielnaz@gmail.com